

نقش آموزش‌های اقتصادی در فرهنگ و رفتار نوجوانان

دکتر مصطفی عمادزاده* - مسعود هاشمیان

چکیده

از آنجا که از یک سو فرایند توسعه اقتصادی، به عنوان یکی از نتایج قطعی و مسلم تحولات فرهنگی به شمار می‌رود، و از سوی دیگر، ایجاد چنین تغییر و تحولی، به سرمایه‌گذاری‌های آموزشی وسیع و گسترده‌ای نیاز دارد تا رفتار و هنجارهای لازم در این خصوص را در افراد پدید آورد، بنابراین ضروری است از طریق سیستم تعلیم و تربیت، به آموزش مسائلی در باب رفتار و کردار مصرفی و تولیدی جامعه، همت گماشته شود و از این رهگذر، درک صحیحی راجع به منابع تولیدی و تخصیص بهینه آنها به نوجوانان و جوانان - که هر یک به مثابه سرمایه‌های معنوی عظیم این مرز و بوم هستند - ارائه گردد. این امر، علاوه بر ارتقای سطح بهره‌وری نیروی کار، موجب افزایش قدرت تولیدی نیز خواهد شد. زیرا با توجه به محدودیت منابع قابل بهره‌برداری در جهان کنونی و افزایش تقاضا برای مصرف این منابع - که ناشی از رشد بی‌رویه جمعیت است - چنانچه هر یک از آحاد جامعه، تحت آموزش‌های اقتصادی اصولی و ضروری برای تغییر رفتار مصرفی و تولیدی خود، قرار نگیرند، بی‌شک نسل آینده، با مشکلات اقتصادی اجتماعی بی‌شماری روبرو خواهد شد. به این منظور، نظام آموزشی، عهده‌دار وظایفی فراتر از سوادآموزی است. اینک این نظام، با سرمایه‌گذاری‌های طولانی مدت، در جهت ارائه آموزش‌های فنی و اقتصادی لازم به دانش‌آموزان - در کنار سایر آموزش‌های متداول در مدارس - و پرورش نسلی آگاه و فهیم و مصمم، یکی از پایگاه‌های عمده برای غلبه بر هجوم فرهنگی بیگانگان به شمار می‌رود. گرچه بازده این سرمایه‌گذاری‌ها، در بلند مدت

نمایان می‌شود، لیکن کمک‌های مثبت این سرمایه‌گذاری‌ها در جهت تسهیل توسعه اقتصادی - اجتماعی، می‌تواند محرکی برای ترغیب و تشویق جامعه به سوی انجام سرمایه‌گذاری‌های معنوی، به شمار آید.

فرهنگ عبارت است از علم و دانش، معتقدات مذهبی، عادات و رسوم، هنر و قانون معمول در جامعه که بر رفتار مردم حاکمیت دارد. ایستایی و پویایی فرهنگ هر جامعه وابسته به تحولات و تغییراتی است که هر یک از عوامل تشکیل دهنده فرهنگ، در ابعاد زمان پیدا می‌کنند. هر قدر این تحولات، بطئی‌تر و آرام‌تر، فرهنگ جامعه ایستاتر، و هر اندازه تغییرات سریع‌تر، فرهنگ آن جامعه پویاتر خواهد بود. سرعت تغییرات هر یک از متغیرهای فرهنگی وابسته به میزان سرمایه‌گذاری‌های آموزشی است که در آن زمینه صورت می‌گیرد. به هر میزان که در هر یک از موارد فوق، آموزش‌های بیشتری به جامعه داده شود، انتظار می‌رود که سرعت تحولات در آن مورد بیشتر باشد. [Becker, 1981,9]

آموزش و پرورش ارزش‌ها در هر جامعه، موجب تغییرات کیفی در فرهنگ حاکم بر آن جامعه است. [یونسکو، ۱۳۷۰، ۱۰۶] این تغییرات کیفی از طریق تحول در رفتار مردم و تشکیلات نهادهای اجتماعی، بی‌شک می‌تواند پیامدهای کمتی بسیاری را در راستای توسعه اجتماعی و اقتصادی، به ارمغان آورد. توسعه و رشد اقتصادی که در نتیجه فعالیت‌های اقتصادی افراد جامعه حاصل می‌شود، خود منبعت از رفتارهای انسانی هر جامعه و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر آنهاست. بنابراین تنها انتظار منطقی که می‌توان از نظام آموزشی کشور داشت، ایجاد سه قابلیت اساسی در رفتارهای فردی هر جامعه است: [عمادزاده، ۱۳۷۱، ۲۴-۲۳]

۱- قابلیت تحصیلی: ایجاد این قابلیت، یکی از نقش‌های سنتی آموزش و پرورش است و بر رشد و گسترش سواد عمومی و کسب دانش به منظور قادر ساختن شخص برای ایفای نقش معنی‌دار و کامبخش در جامعه تأکید می‌کند.

۲- قابلیت شغلی و حرفه‌ای: ضرورت ایجاد این قابلیت، ناشی از تحولات سریع تکنولوژیک در جهان امروز است.

۳- قابلیت تدبیر و تدبیر، تصمیم‌گیری و آینده‌نگری.

از آنجا که میزان مشارکت فعال مردم، در امور اقتصادی جامعه، وابسته به میزان تحصیلات، تعهد

و پذیرش مسؤلیت اجتماعی افراد است، آموزش و پرورش می تواند در کنار ایجاد قابلیت های علمی و شغلی در مقاطع مختلف تحصیلی، بخصوص از دوره راهنمایی تا دانشگاه، و ارائه آموزش های تخصصی و فنی، انضباط، تقید، تعهد، احساس مسؤلیت و وظیفه شناسی و میهن دوستی را نیز به جوانان بیاموزد. این کارکرد مکمل آموزش و پرورش که از آن به عنوان «قابلیت تدبیر و تدبیر» تعبیر می شود، موجب می گردد که فرد فارغ التحصیل، به صورت شخصی مصمم و با اراده، ثابت قدم و متکی به خویش، انعطاف پذیر و سازگار، برنامه ریز و سازمان دهنده، متفکر و خلاق، صرفه جو و نوآور، وارد محیط کار و فعالیت های اقتصادی جامعه خود شود [توسلی، ۱۳۷۱، ۵۳-۵۲].

باتوجه به دگرگونی های تکنولوژی امروز جهانی - که به نظر می آید در آینده نیز سریع تر خواهد شد - تحولات فرهنگی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه اجتناب ناپذیر خواهد بود. اکنون که دانش و مهارت به عنوان عامل مسلط تولید (و حاصل عملکرد صحیح نظام آموزشی کشور) قلمداد می شود و حال که ثروت جوامع عمدتاً مبتنی بر دانش و مهارت ذخیره شده در مردم و کمتر متکی بر ثروت های مادی و منابع طبیعی آنان است، جوامعی که از دانش بیشتری برخوردارند، به تکنولوژی برتری دسترسی خواهند یافت و قادر خواهند بود به تولید انبوه و رشد اقتصادی افزون تری نائل آیند [Bebeauvais, 1980, 16-18].

فرآیند توسعه اقتصادی، در بلندمدت قابل حصول است و نیل به آن، ناشی از تحولات مداوم در مبانی علمی - فنی تولید و تغییر در رفتار اجتماعی و نهایتاً فرهنگ انسان هاست. چنین فرآیندی موجب افزایش رفاه اقتصادی جامعه خواهد شد. به منظور درهم شکستن دور تسلسل فقر در کشورهای در حال توسعه، یکی از عمده ترین روش ها، توانا تر ساختن جوانان از طریق سرمایه گذاری های آموزشی از دوره دبستان و راهنمایی است. از آنجا که با آموزش های منسجم، می توان رفتار و هنجار کودکان را در عادات مصرفی، مشارکت در بنیان های تولیدی، پس انداز، سرمایه گذاری و برنامه ریزی برای نیل به رشد اقتصادی، هر چه بیشتر منطقی و عقلایی کرد، به نظر می آید که هر نوع هزینه در زمینه آموزش نوجوانان، بازده قابل ملاحظه ای در بلندمدت برای جامعه داشته باشد. [Salas, 1982, 113-123]

نفوذ فرهنگ در کودکان از طریق طبقه اجتماعی و خانواده، در چارچوب الگوها و هنجارهای رفتاری است که از طفولیت به آنها القا می شود. چنین نفوذی از زمان کودکی، افراد را در تمام

طول زندگانی، در اعمال و رفتار، کنش‌ها و واکنش‌ها شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد. روحیات، انگیزه‌ها و حتی شخصیت انسان‌ها ناشی از مجموعه آموزش‌هایی است که در محیط خانواده و مدرسه و جامعه به آنها داده می‌شود و رفتار و اعمال آنان را در طول زندگی تحت نفوذ خود قرار می‌دهد. [Becker, 1976, 111-115] بی‌شک سرمایه‌گذاری‌های آموزشی در دوران نوجوانی دارای پیامدهای اقتصادی و اجتماعی فراوانی برای جامعه است و راه نیل به توسعه را هموارتر خواهد ساخت.

محدودیت منابع و لزوم تخصیص عقلایی آن

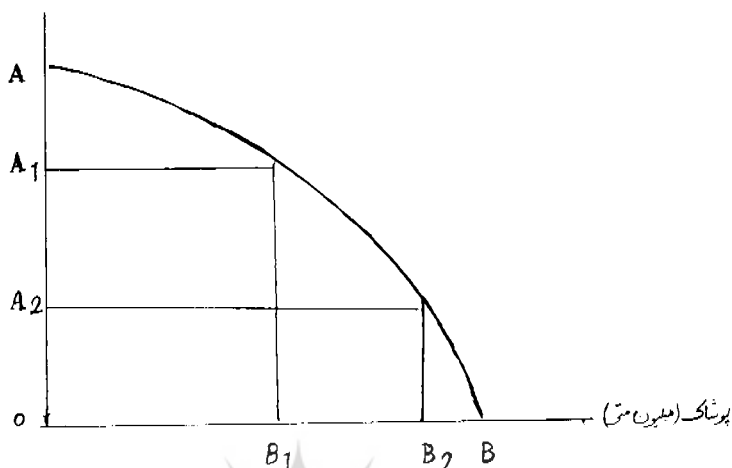
به طور کلی، منابع موجود در جامعه، محدودند و اصالت و اهمیت دانش اقتصاد در تخصیص بهینه منابع جهت تأمین نیازهای متنوع و روزافزون مردم تجلی می‌یابد. چنانچه منابع موجود در جامعه را به سه گروه کلی منابع انسانی، منابع فیزیکی و منابع طبیعی، تقسیم کنیم، میزان تولید هر جامعه وابسته به مقدار منابع و نحوه به‌کارگیری و استفاده از این منابع است؛ هر قدر منابع بیشتر باشند و یا دانش استفاده از منابع، غنی‌تر باشد، با منابع موجود می‌توان به تولید اجتماعی بیشتر دست یافت.

برای تفهیم بهتر موضوع، از منحنی‌های امکانات تولید مدد می‌گیریم. چنانچه فرض شود منابع موجود در جامعه فقط به تولید غذا و یا فقط به تولید پوشاک انحصار می‌یابند، منحنی امکانات تولید جامعه به صورت نمودار شماره یک خواهد بود.

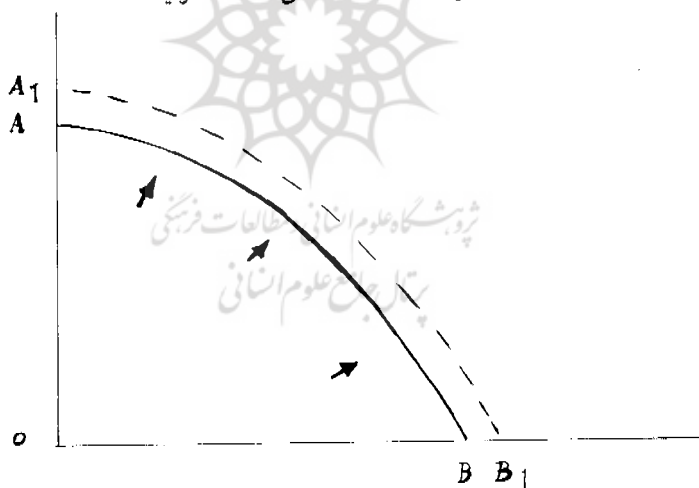
اگر تمام امکانات جامعه صرف تولید مواد غذایی شود، جامعه به A تن مواد غذایی دست خواهد یافت، و اگر کل منابع جامعه به تولید پوشاک اختصاص یابد و دیگر مواد غذایی تولید نشود، جامعه به B میلیون متر پارچه دسترسی خواهد یافت. علاوه بر این، جامعه می‌تواند به ترکیبی از تولید مواد غذایی و پوشاک نیز دست بزند و نقاطی مثل نقاط M و یا N را روی منحنی امکانات تولید انتخاب کند.

با توجه به محدودیت امکان افزایش منابع، و تناسب تقریبی آن با رشد جمعیت، کشورهای نظیر کشور ما، از نظر افزایش تولید یا رشد اقتصادی با محدودیت‌هایی مواجه خواهند شد و نخواهند توانست در هر سال منحنی امکانات تولید خود را در حد قابل توجهی ارتقا دهند.

غذا (تن)



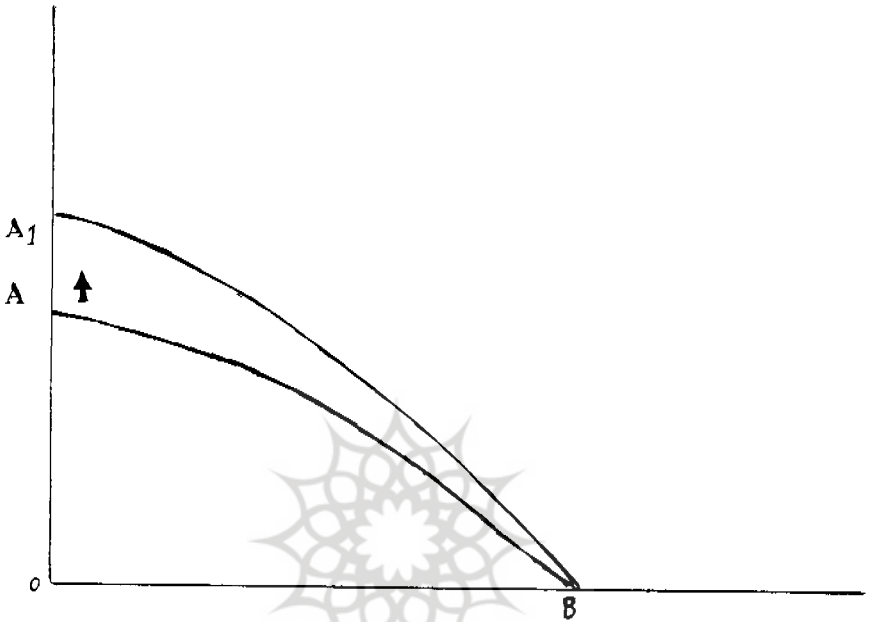
نمودار شماره ۱: منحنی امکانات تولید



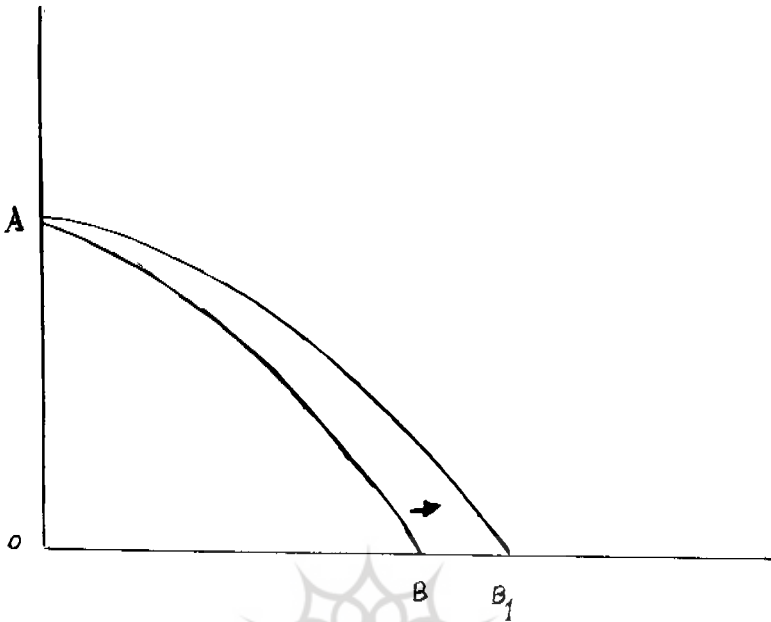
نمودار شماره ۲: رشد منحنی امکانات تولید

در صورتی که جامعه بتواند به طریقی مناسب در مصرف منابع خود صرفه جویی کند، خواهد توانست با منابع کمتری به تولید بیشتری دست یابد و منحنی امکانات تولید خود را با وجود محدود بودن منابع، ارتقا دهد. به عنوان مثال چنانچه کشاورزان بیاموزند که چگونه در

مصرف آب، صرفه‌جویی کنند، خواهند توانست با آب صرفه‌جویی شده، زمین بیشتری را زیر کشت گندم ببرند و منحنی امکانات تولید مواد غذایی را از نقطه A به نقطه A1 منتقل کنند.



نمودار شماره ۳: صرفه‌جویی در یکی از منابع، موجب رشد منحنی امکانات تولید خواهد شد. علاوه بر آنچه گفته شد، ارتقای سطح دانش و تکنولوژی در مورد نحوه کاشت، داشت و برداشت تولید پنبه می‌تواند موجب افزایش تولید پوشاک شود. به عنوان مثال چنانچه به کشاورزان اطلاعات کافی راجع به نحوه تولید پنبه از طریق بهره‌گیری از روش‌های علمی، شناسایی انواع بذرهای اصلاح شده، و معرفی انواع کودها و زمان و میزان مصرف هر یک از آنها ارائه شود، این عوامل موجب خواهد شد، با وجود محدودیت منابع، منحنی امکانات تولید پوشاک از نقطه B به نقطه B1 در نمودار شماره ۴ منتقل شود. این مثال‌ها نشان می‌دهند که در صورت صرفه‌جویی بیشتر در مصرف عوامل تولید و دسترسی به دانش استفاده از عوامل تولید به روش‌های نوین، جامعه قادر خواهد بود علی‌رغم محدودیت منابع، همواره به مقادیر بیشتری از تولید دست یابد [ساخاروپولوس، وودهال، ۱۳۷۰، ۳۰۹-۳۰۴].



نمودار شماره ۴: پیشرفت دانش و تحولات تکنولوژی موجب افزایش تولید پوشاک می‌شود.

با توجه به رشد سریع جمعیت و تقاضاهای اشباع نشده در جامعه، بایستی در جهت افزایش تولید ملی تلاش کرد. برای چنین افزایشی در تولید اجتماعی، جامعه نیازمند ایجاد تحولات فرهنگی عمیق در قشر تولیدکننده است. از آنجاکه ایجاد این تحول در دوران کودکی و نوجوانی، سریع‌تر و آسان‌تر صورت می‌گیرد، جامعه باید از طریق ارائه آموزش‌های مناسب در مقاطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان، در فرهنگ مصرفی و تولیدی جوانان تغییرات اساسی ایجاد کند. هر نوع آموزش مناسبی در این زمینه‌ها، موجب صرفه‌جویی در منابع و استفاده کارآتر از آنها خواهد شد. چنین سرمایه‌گذاری‌های آموزشی، بی‌شک از بازده اقتصادی بالایی برخوردار خواهد بود. چراکه موجب می‌شود جامعه، هر روز به سطح بالاتری از تولید دست یابد.

آموزش‌های اقتصادی و تأثیرات کمی و کیفی آن

چنانچه بپذیریم میزان مصرف هر فرد براساس ذوق و سلیقه و رجحان‌های شخصی او تعیین می‌شود، و باگذشت زمان عادات مصرفی و سلیقه‌های فردی متحول می‌شوند، و چنانچه قبول

کنیم که ارضای بسیاری از نیازهای انسان جنبه اکتسابی دارد و می‌توان از طریق آموزش، در نحوه ارضای نیازها دگرگونی‌هایی به‌وجود آورد، در این صورت آموزش‌های مناسب اقتصادی در ایام نوجوانی می‌توانند تغییرات و تحولات چشم‌گیری را در عادات مصرفی آحاد جامعه به‌وجود آورند [Day, 1980, 28-32].

این یک واقعیت غیر قابل انکار است که هر قدر سرمایه‌گذاری‌های آموزشی زودتر انجام گیرند، بازده آنها بیشتر و مؤثرتر است؛ آموزش در ایام نوجوانی، کارآیی بیشتری دارد و قادر است رفتار و هنجارهای فردی را شدیداً تحت تأثیر قرار دهد. از جمله آموزش‌هایی که باید از ایام نوجوانی سرمایه‌گذاری در مورد آن آغاز شود، آموزش‌های اقتصادی است. زیرا در سنین ۱۰-۱۲ سالگی است که نوجوانان، درک تازه‌ای از مسائل پولی و مالی و بود و نبوده‌های مادی پیدا می‌کنند. در این زمان آنها تمایل دارند پول توجیبی یا مقرری ماهانه خود را براساس مطلوبیت‌هایی که کالاها و خدمات گوناگون برای آنها دارند خرج کنند. حال چنانچه در این دوران، آموزش‌های مناسبی در خصوص چگونگی تخصیص منابع مالی محدود در جهت ارضای نیازهای کوتاه مدت و بلندمدت به نوجوانان ارائه شود، تأثیر به‌سزایی بر بودجه فردی و خانوادگی، و نیز متغیرهای کلان اقتصادی از جمله مصرف، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید ملی خواهد داشت. این امر بویژه در وضعیت کنونی که به یمن رفاه اقتصادی و رعایت موازین بهداشتی، طول عمر متوسط افراد در حال افزایش است، می‌تواند در طولانی مدت آثار مثبت خود را به نمایش بگذارد.

شاید عمده‌ترین اثر این آموزش‌ها در رفتار مصرفی جوانان، صرفه‌جویی‌هایی باشد که آنان در مخارج روزمره خود و خانواده اعمال می‌کنند. حاصل این صرفه‌جویی‌ها، پس‌اندازی است که هر ساله می‌تواند از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشد

[MC Mahon, 1988, 129-137]. عادت به پس‌انداز می‌تواند از یک طرف سطح مصرف را کاهش دهد و قدرت خرید حال را به آینده منتقل کند و از طرف دیگر با سرمایه‌گذاری این مبالغ، در میزان درآمدهای سال‌های آتی تحولات اساسی به وجود آورد. چنین تحولاتی، از دیدگاه توسعه‌حائز اهمیت است. چراکه از یک سو با پس‌اندازهای بسیار کوچک در سطح خانوار می‌توان به سرمایه‌های قابل توجهی دست یافت. (مشکل اساسی بسیاری از جوامع در حال توسعه که در آنها به علت فقدان سرمایه‌های کافی، امکان حرکت چرخ‌های اقتصادی کشور وجود ندارد)، و از

سوی دیگر، این صرفه جویی ها موجب افزایش قدرت خرید خانوارها و در نتیجه افزایش تقاضای مؤثر در جامعه خواهد شد.

برای تجسم ملموس تر این مطالب و درک اهمیت آنها به یک مثال بسیار ساده متوسل می شویم. ارائه آموزش های اقتصادی در ایام نوجوانی، موجب حصول صرفه جویی های اندک برای هر خانوار می شود، اما مجموع این صرفه جویی ها، پس اندازهای قابل توجهی را برای تمام خانوارها و در نتیجه برای کل کشور فراهم می کند. به عنوان مثال اگر هزینه متوسط سالانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۶۹ را در نظر بگیریم^(۱) (۵۲۰ و ۲/۴۶ ریال)، و فرض کنیم که آموزش های کاربردی تنها بتواند در سال، ۵ درصد صرفه جویی در این هزینه ها ایجاد کند، (۱۲۳۰۷۶ ریال)، چنانچه تعداد خانوارهای شهری حدود ۵ میلیون فرض شوند، رقم صرفه جویی شده در سال برای مجموع خانوارهای شهری ۶۱۵ میلیون و ۳۸۰ هزار ریال خواهد شد. جدول شماره (۱) میزان صرفه جویی حاصل را با چند نمونه از آمارهای حیاتی کشور مقایسه کرده است.

جدول شماره (۱)

مقایسه صرفه جویی های ناشی از آموزش های اقتصادی در بودجه خانوارهای شهری با برخی از آمارهای حیاتی کشور در سال ۱۳۶۹

شرح	ارقام به میلیون ریال سال ۱۳۶۹ (۲)	مبلغ صرفه جویی شده به میلیون ریال ۱۳۶۹ (۳)	نسبت ارقام ستون سوم به ستون دوم به درصد
تولید ناخالص ملی	۳۶/۳۸/۲۰۰	۶۱۵/۳۸۰	۱/۷
بودجه کل کشور	۶/۰۵/۱۰۰	۶۱۵/۳۸۰	۱۰/۲
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۵/۶۶۲/۶۰۰	۶۱۵/۳۸۰	۱۰/۹
پس انداز خالص ملی	۳/۳۸۶/۷۰۰	۶۱۵/۳۸۰	۱۸/۲
بودجه آموزش و پرورش عمومی	۱/۱۳۹/۵۳۸	۶۱۵/۳۸۰	۵۴
بودجه آموزش عالی و تحقیقات	۲۲۲/۳۵۶	۶۱۵/۳۸۰	۲۷۷
صادرات غیر نفتی	۹۶/۱۰۰*	۶۱۵/۳۸۰	۶۴۰

* صادرات غیر نفتی در سال ۱۳۶۹، ۱/۳۷۳ میلیارد دلار بوده که با احتساب دلاری ۷۰ ریال در جدول فوق ثبت شده است.

تحلیل ارقام مندرج در جدول شماره (۱) در عین حال که بسیار ساده است، نتایج کمی آموزش‌های اقتصادی را بسیار با اهمیت‌تر از پیش نشان می‌دهد. صرفه‌جویی‌های ناشی از آموزش‌های اقتصادی نوجوانان می‌توانند به تنهایی برابر با $1/7$ درصد از تولید ناخالص ملی یا درآمد ملی را شامل شوند. همچنین این صرفه‌جویی‌ها برای سال ۱۳۶۹ می‌توانسته‌اند $10/2$ درصد از بودجه کل کشور، حدود ۱۱ درصد از سرمایه ثابت ناخالص داخلی، حدود ۱۸ درصد از پس‌انداز خالص ملی و ۵۴ درصد از بودجه آموزش و پرورش عمومی را تشکیل دهند. اگر صرفه‌جویی‌های فوق‌الذکر را با بودجه آموزش عالی و تحقیقات و نیز صادرات غیرنفتی به دلار دولتی در سال ۱۳۶۹ مقایسه کنیم، نتایج، بسیار شگفت‌آورتر خواهند بود. به عبارت دیگر می‌توان گفت که آموزش‌های اقتصادی نوجوانان می‌تواند موجب تشکیل بودجه‌ای برای آموزش عالی و تحقیقات (به میزان $2/8$ برابر بودجه در نظر گرفته شده برای سال ۱۳۶۹) باشد و یا درآمدی برای جامعه ما به میزان $6/4$ برابر صادرات غیرنفتی در همان سال ایجاد کند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود آموزش‌های اقتصادی با ۵ درصد صرفه‌جویی در بودجه خانوار توانسته‌اند مبالغ قابل توجهی را ذخیره کنند و این ارقام در مقایسه با آمار نمونه از شاخص‌های مهم اقتصادی، نشانگر اهمیت چنین آموزش‌های کاربردی هستند. حال چنانچه آن طرف سکه را، یعنی قدرت تولید و ایجاد درآمدی که آموزش‌های کاربردی قادرند در نوجوانان به وجود آورند، مورد توجه قرار دهیم به اهمیت اقتصادی روزافزون آموزش‌های کاربردی نوجوانان بیشتر پی خواهیم برد. [Haveman & Wolfe, 1983, 182-196].

از آنجاکه فرآیند توسعه اقتصادی، حاصل تحول مستمر در مبانی علمی و فنی تولید و ناشی از تغییر در رفتار اجتماعی انسان‌هاست و چنین تغییر و تحولی تنها در بستر زمان، ممکن و میسر است، جامعه باید در زمینه آموزش کودکان و نوجوانان، سرمایه‌گذاری‌های آموزشی وسیعی را انجام دهد. این آموزش‌ها می‌توانند هنجارهای فردی و اجتماعی نسل آینده را در راستای جامعه‌ای غنی‌تر و مرفه‌تر متحول سازند و جوانانی آموزش دیده، نسلی فهیم، مدیر و مصمم را به وجود آورند که در تشکیل پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی آینده کشور برای نیل به رشد و توسعه اقتصادی مشارکت فراوان خواهند داشت.

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، با اندک سرمایه‌گذاری در آموزش نوجوانان می‌توان

تحولات اقتصادی چشم‌گیری در سطح خانوار و در سطح کشور به وجود آورد. بدیهی است که این آموزش‌ها دارای آثار دیگری نیز هستند. از جمله ارائه صحیحی از منابع تولیدی و تخصیص بهینه‌تر آنها که خود موجب ارتقای سطح بهره‌وری نیروی کار جوان جامعه ما و افزایش قدرت تولید خواهد شد. به هر حال بازده چنین سرمایه‌گذاری‌های آموزشی، بی‌شک قابل توجه و در خور اهمیت است و در این راستا موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱- با توجه به اینکه امروز نظام آموزشی ما وظیفه‌ای بیش از سوادآموزی بر عهده دارد، ضروری است، برای چیره شدن بر هجوم فرهنگی بیگانگان و نیز ساختن نسلی آگاه، مدبر و با بهره‌وری و کارایی بالاتر، جهت نیل به توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، آموزش‌های فنی و اقتصادی لازم، در کنار آموزش‌های متداول به دانش‌آموزان ارائه شود [هلک، ۱۳۷۱، ۲۰۸-۱۸۳].

۲- شاخه پرورشی نظام آموزش و پرورش فعلی کشور می‌تواند در کلاس‌هایی غیر از کلاس‌های درسی به این امر مهم اقدام کند، چراکه این آموزش‌ها می‌تواند در راه استقلال اقتصادی از نقشی مؤثر و حساس برخوردار باشند.

۳- آموزش‌های اقتصادی باید با شناخت منابع اساسی کشور، محدودیت‌های موجود منابع تولید را به دانش‌آموزان تفهیم کند، سپس با معرفی نتیجه فرآیند تولید (یعنی کالاها و خدمات یا محصولات نهایی) ارزش نهفته شده در پس هر کالای مصرفی یا سرمایه‌ای را برای آنها نمایان سازد.

۴- در آموزش‌های پیشرفته‌تر برای دانش‌آموزان، باید آنها را با مفاهیم پولی و ترکیبات مختلف بودجه‌ای (از پول توجیبی یا مقرری ماهانه گرفته تا دستمزد پدر و درآمد خانوار) آشنا سازیم تا اهمیت صرفه‌جویی در مصرف و تشکیل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای آنها روشن شود.

۵- در جهانی که ما زندگی می‌کنیم منابع، به شدت محدودند و بایستی افراد را از دوران کودکی به روشی منطقی از چنین محدودیت‌هایی مطلع ساخت و کاربرد عقلایی منابع را از دوران نوجوانی به آنان آموخت. برای داشتن نیروی کار، متعهد و مسؤول فردا، بایستی امروز خود را برای انواع آموزش‌های کاربردی مجهز کنیم.

۶- بازده سرمایه‌گذاری در آموزش انسان‌ها به هیچ‌وجه کمتر از بازده سرمایه‌گذاری‌های

فیزیکی و مادی نیست. لیکن سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، بازده خود را در بلند مدت نمایان می‌سازد. اولیای جامعه بایستی متقاعد شوند که سرمایه‌گذاری در مسائل فرهنگی و اجتماعی پیامدهای مثبت و پرباری را برای نسل آینده به همراه خواهد داشت.

پی‌نوشت

۱- برای دستیابی به اطلاعات آماری دقیق‌تر در این خصوص، می‌توانید رک: سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۰، مرکز آمار ایران،

تهران، ۱۳۷۱، فصل ۲۲، هزینه و درآمد خانوار، ۵۷۰ - ۵۴۵.

منابع و مآخذ

فارسی

- توسلی، محمود، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و توسعه اقتصادی، تهران، مؤسسه تحقیقات بولی و بانکی، ۱۳۷۱.

- ساخارویولوس، ج / وودهال، م، آموزش برای توسعه، تحلیلی از گزینش‌های سرمایه‌گذاری، ترجمه پریدخت وحیدی / حمید - سهرابی، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۰.

- عمادزاده، مصطفی، اقتصاد آموزش و پرورش، ج ۲، جهاد دانشگاهی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۱.

- هلک، زاک، سرمایه‌گذاری برای آینده آموزش و پرورش، ترجمه عبدالحسین نفیسی، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۱.

- یونسکو، آموزش و پرورش برای همه، بانکوک، تایلند، ۱۹۹۰، ترجمه مرکز تحقیقات آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۷۰.

انگلیسی

- Bebeauvais, M, **Education in a New International Economic order**, paris, IIEP, August 1980.
- Becker, G.S, **A Treatise on the Family**, Harvard university press, cambridge, massachusetts, 1981.
- Becker, G.S, **The Economic Approach to human Behavior**, university of chicago press, chicago Illinois, 1976.
- Day, B.B, **Thinking and Doing. Youth and a New International Economic order**, paris, unesco, 1980.
- Haveman, R & Wolfe, B, **Eduction and Economic well-being: The Role of Non-market effects**, American Economic Review, may 1983.
- Mc Mahon, w.w, **consumption and other Benefits of Education**, in; psacharapoulos, G (ed), 1988
- Salas, R.M, **The Role of population Education in the new International order**, in; SANYAL, B.C. (ed): "Higher Education and the New International order", unesco, paris, 1982.